ثبات مدیریت در آموزش‌وپرورش هم فرصت و هم تهدید!

گروه اجتماعی

صندلی وزارت در آموزش‌وپرورش لرزان و بی‌ثبات است و در طول چهل‌وچند سال گذشته، این وزارتخانه رکورددار تغییرات در سطح وزرا بوده است. این تغییرات، میانگین مدیریتی را به کمتر از دو سال کاهش داده و در کنار ناکارآمدی‌های مدیریتی به‌عنوان مهم‌ترین مشکل آموزش‌وپرورش مطرح است.

ادامه این روند باعث شده که سکانداران وزارت آموزش‌وپرورش در حل مشکلات بلندمدت ناکام بمانند و مسائل و چالش‌های ریشه‌دار وزارتخانه همواره از وزیری به وزیر دیگر منتقل شود اما با نگاهی گذرا به تصمیم‌گیری‌ها و تغییر مدیریت‌ها، درخواهیم یافت که مشکل بی‌ثباتی ناشی از عدم شایستگی وزرای منصوب بوده است و به این علت وزارت آموزش‌وپرورش در ۱۳ سال گذشته، ۶ وزیر متفاوت به خود دیده و در ۴۴ سال پس از انقلاب اسلامی ۱۶ وزیر برصندلی این وزارتخانه تکیه زده‌اند که از سال ۹۲ تا ۱۴۰۰، چهار وزیر هرکدام به طور میانگین حدود ۲ سال و در یک مورد تنها ۹ ماه در این مجموعه دوام داشته‌اند. بنابراین رفت‌وآمدهای متعدد از یک سو موجب شده هر یک از وزرا با ارائه طرح‌هایی وارد میدان اجرا شده و با توجه به عدم ثبات مدیریتی نتوانند برنامه‌های خود را به طور کامل اجرا کنند و از سوی دیگر برای انتخاب وزرا و شرایط احراز آنان، قانون یا مصوبه خاصی وجود ندارد و در تعیین وزرا میزان صلاحیت‌های عمومی و توان مدیریتی افراد در امر تعلیم و تربیت و شایستگی در مسیر تحقق اهداف سازمانی با رعایت کارآیی و اثربخشی مورد سنجش و ارزیابی قرار نمی‌گیرد. ازاین‌رو همان طور که مقام معظم رهبری تأکید کرده‌اند: «دستگاهی به این عظمت با تغییر مداوم وزیر ضربه می‌خورد؛ به خصوص این که تغییر وزیر گاهی تغییر معاونان، مدیران میانی و حتی مدیران مدارس را هم در پی می‌آورد.»

ماحصل تغییرات پیوسته و عدم شایستگی‌های مدیریتی در بزرگ‌ترین وزارتخانه کشور؛ کلاف پیچیده‌ای از مسائل چندوجهی است؛ مسائلی که یک سردرناترازی بودجه و کمبود معلم حرفه‌ای و یک سردرافت کیفی آموزش‌وپرورش و تنزل حکمرانی آموزشی به دلیل اقدامات غیرعلمی و سلیقه‌ای دارد. براین اساس در آستانه استقرار دولت چهاردهم و همچنین کشاکش تحلیل‌ها و راهکارهایی که کارشناسان در خصوص دوام و مانایی مدیریت ارائه می‌دهند، باید لایه‌های ژرف‌تر این موضوع را مورد کندوکاو قرار داد.

انتخاب وزیر برای وزارتخانه‌ای که باتربیت نسل‌ها سروکار دارد یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین تصمیم‌ها و اقدامات رئیس جمهور جدید است. آموزش‌وپرورش با حدود یک میلیون معلم و ۱۶ میلیون دانش‌آموز نیازمند وزیری است که در میان جامعه فرهنگیان مقبولیت داشته باشد، در غیر این صورت بازهم آفت بی‌ثباتی از تهدیدها یی است که می‌تواند دولت جدید را در آموزش‌وپرورش به مخاطره بیندازد.

گاهی در معرفی، انتخاب وزیر و رأی اعتماد، به گونه‌ای عمل شده که انگار توافق نانوشته‌ای برای تداوم غفلت بیمارگونه و مداوم نسبت به آموزش‌وپرورش در جریان بوده است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین آسیب این مجموعه در ۲۰ سال اخیر، فقدان ثبات و ناپایداری مدیریت و فقدان الگوی شایسته حکمرانی بوده است. بنابراین برکناری وزیر آموزش‌وپرورش، استعفا یا استیضاح یکی از شایع‌ترین رویدادهای وزارت آموزش‌وپرورش در دو دهه اخیر بوده که مهم‌ترین ضربه‌ها را به پیکر نیمه‌جان ثبات مدیریت در این مجموعه وارد آورده و اغلب با ارائه برنامه‌های وزیر جدید، برنامه‌های قبلی ناتمام مانده و براثر تلنبار شدن برنامه‌ها، آموزش‌وپرورش هنوز نتوانسته مسائل مهم و حیاتی خود را شناسایی و حل کند.

اما حجت‌الله بنیادی، پژوهشگر نظام آموزشی و استاد دانشگاه این ثبات مدیریت را از یک سو فرصت و از سوی دیگر تهدید دانسته و در گفت‌وگو با «رسالت» عنوان می‌کند: «این ثبات با سه شرط می‌تواند فرصتی برای پیشرفت یک سازمان باشد. اولین شرط، شایسته گزینی و انتخاب مدیرانی است که بر اساس فرآیندهای شایستگی محور انتصاب یافته باشند. لازم است این مدیران واجد دانش و مهارت پایه باشند. مدیری که فاقد این ویژگی‌ها است، مرتکب خطا شده و بی‌راهه می‌رود و مقامات بالادست مجبور به عزلش می‌شوند و یا به دلیل ناتوانی در انجام وظایف و مسئولیت‌های محوله، تاب و طاقتش سرمی‌رود و از پست مدیریت کناره‌گیری می‌کند. دومین شرط، ایجاد سازوکاری با هدف ارتقای مستمر دانش و مهارت‌های مدیریتی است. مدیری که خود و مقامات بالادست او به صورت پیوسته در فکر ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای او نباشد، پس از مدت کوتاهی به یک مدیر ناکارآمد و ناتوان تبدیل می‌شود که بازهم چاره‌ای جز عزل یا کناره‌گیری برای او باقی نمی‌ماند. سومین شرط، ایجاد سیستم و نظام ارزیابی عملکرد مستمر است و به این ترتیب اقدامات وزیر رصد می‌شود و اگر او در راستای اهداف و مأموریت‌ها حرکت نکرده و خطا و قصوری مرتکب شود، به او گوشزد خواهد شد که مسیر را اصلاح کند، مدیری که اطمینان داشته باشد، سازوکار ارثبخشی برای نظارت بر انجام وظایف و مأموریت‌های او وجود ندارد، ناخواسته از اهداف و وظایف سازمانی فاصله می‌گیرد و تحقق اهداف سازمانی به اولویت‌های انتهایی او تبدیل می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی نیز عزل و برکناری اوست.»

بنیادی تأکید می‌کند: «ثبات مدیریت در هر سازمانی فرصتی برای ارتقا و پیشرفت است که باید الزامات مرتبط با آن نیز مهیا باشد. در غیر این صورت اگر انتصابات ملبی قاعده‌ومبرمبنای منافع جناحی باندی، قومی و قبیله‌ای باشد، ثبات مدیریت نه تنها برای آموزش‌وپرورش فرصت نخواهد بود بلکه یک تهدید بزرگ هم به شمار می‌رود و انتصاب‌های قومیتی به معنای نقض و بی‌اعتنایی به انتصاب گزینه شایسته است. بدیهی است که در چنین انتصاب‌هایی با تغییر مدیر مافوق تمام مدیران زیرمجموعه نیز تغییر می‌کنند و سیستم یا ساختار یک وزارتخانه به هم می‌ریزد. جالب این است که کشور ما سال‌هاست به دلیل حاکمیت چنین رویکردی از ثبات مدیریت بی‌بهره است. بنابراین ثبات مدیریت در صورت انتصاب بر اساس شایستگی، ارتقا پیوسته مهارت‌های مدیریتی و ارزیابی مستمر و نظام‌مند موجب پیشرفت است و در غیر این صورت یک تهدید مخرب برای سازمان خواهد بود. اگر چه هرکدام این سه شرط سهمی در عدم ثبات مدیریت دارند ولی سهم انتصاب برمبنای شایستگی بیشتر است.»

تحقق ثبات مدیریتی با ایجاد سازوکار نظارتی

این پژوهشگر تصریح می‌کند: «مدیری که برای تصدی پست وزارت در آموزش‌وپرورش شایستگی لازم را داشته باشد، نخواهد توانست سازمان تحت امر خود را به درستی مدیریت کند؛ در چنین وضعیتی مسئولان مافوق مجبور به عزل او می‌شوند، به ویژه سازمان و دستگاهی به اهمیت آموزش‌وپرورش که جامعه مخاطبانش بسیار گسترده است و مدیران مافوق نمی‌توانند دست روی دست بگذارند و اجازه دهند این مدیر بی‌راهه برود، لذا در کوتاه‌ترین زمان ممکن او را عزل می‌کنند و یا مدیر به دلیل ناتوانی چاره‌ای به جز کناره‌گیری ندارد. بنابراین اگر انتصاب مدیران مابرمبنای شایستگی نباشد، خود به خود به ثبات مدیریتی نخواهیم رسید. اینکه ادعای رسیدن به ثبات مدیریتی داشته باشیم ولی هر فرد ناشایستی را در مصدر مدیریت بنشانیم، به دوام و مانایی مدیریت منجر نخواهد شد. از طرفی فردی که به عنوان وزیر منصوب می‌شود باید هوشمندانه عمل کرده و علی‌رغم تمام مشغله‌های کاری؛ دانش و مهارت‌های مدیریتی خود را به روز کرده و برای پاسخگویی به اتفاقات روزی که در حال وقوع است، مهارت و دانش کافی را کسب و روابط مسلط باشد. اگر این اتفاق نیفتد به ثبات مدیریت منجر می‌شود و این یعنی مدیر توانمند است و شایستگی او به صورت مستمر و پیوسته در حال ارتقا است اما چنانچه مدیری شایستگی لازم را نداشته باشد، کاملا از اهداف سازمانی دور شده و نارضایتی مخاطبان (معلم و دانش‌آموز) و مافوق به عزل آن مدیر می‌انجامد. در این میان لازم است که حتما یک نظام مستمر و پویا، عملکرد مدیر یا شخص وزیر را ارزیابی کند، حال اینکه در آموزش‌وپرورش چنین سازوکاری مهیا نشده، در حالی که باید با فراهم کردن این سازوکار، وزیر پاسخگو باشد که به عنوان مثال چرا در ابتدای مهر یا کمبود معلم مواجه شده‌ایم و آیا این به دلیل ضعف عملکرد و ناتوانی وزیر و تیم اوست یا اینکه ریشه در جای دیگری دارد. اگر مربوط به ناتوانی و تصمیمات غلط وزیر است، موضوع ثبات مدیریتی عملا امکان تحقق ندارد. گاه مسائلی نظیر کمبود معلم ناشی از عملکرد یک وزیر نبوده و معطوف به گذشته است، اما به هر شکل ارزیابی عملکرد باعث گوشزد کردن خطاها شده و در نهایت به تحقق اهداف و حرکت در مسیر درست منتهی خواهد شد و ثبات مدیریتی را به دنبال دارد. ولی اگر مدیر به حال خود رها باشد و خطاهایش را متذکر نشویم، اقدامات غلط انباشته شده و به نارضایتی گسترده بدل می‌شود و بازهم مقامات مافوق یا مصمم به عزل آن مدیر می‌شوند و یا اینکه آن مدیر ناچار است به دلیل غیرقابل کنترل بودن شرایط استعفا و کناره‌گیری کند. لذا ثبات مدیریت خوب است درصورتی که با سازوکار نظارتی همراه باشد.»

کوتاهی عمر مدیریت به دلیل انتصابات ناشایست

بنیادی با اشاره به ثبات مدیریتی وزرای آموزش‌وپرورش در بسیاری از کشورها عنوان می‌کند: «در اغلب کشورها به این دلیل که انتصابات عمدتا برمبنای الگوهای شایستگی است، پایداری و ثبات مدیریتی امری رایج است، حال اینکه در کشور ما کارگروه‌ها و کمیته‌هایی که در حوزه آموزش‌وپرورش کار می‌کنند شفاف عمل نمی‌کنند چون هنوز الگوی شایستگی در حوزه آموزش‌وپرورش ترسیم نشده و طبیعتا کسی می‌تواند وزیر شایسته باشد که واجد دانش مدیریت منابع انسانی، دانش بودجه و تجربه زیسته مؤثر معلمی باشد و شرایط این حرفه را با گوشت و پوست و استخوانش لمس کرده باشد. کسی که معلمی را تجربه نکرده نمی‌تواند به درستی از معلمان حمایت کند و انتظارات، پیچیدگی‌ها و سختی‌های این شغل را به درستی درک نخواهد کرد. به هر روی نداشتن الگوی شایستگی باعث شده بسیاری از وزرای پیشنهادی شایستگی‌های حداقلی را حتی برای مدیریت مدرسه هم نداشته باشند ولی به عنوان وزیر معرفی شده‌اند و نتایج خوبی هم به همراه نداشته است. بسیاری از وزرای ما پس از یک یا دو سال کنار رفتند یا کنار گذاشته شدند. اما اگر وزیر فرد شایسته‌ای باشد، احتمال بروز خطا، ضعف و ناتوانی کاهش می‌یابد و اگر خطایی رخ دهد، آن را به سرعت اصلاح کرده و اجازه نمی‌دهد اشتباهات و قصوری که مرتکب شده نارضایتی گسترده را به دنبال داشته باشد. بنابراین یکی از شایستگی‌های یک مدیر در سطح کلان این است که شجاعت پذیرش اشتباه و عذرخواهی کردن را در بدترین شرایط هم داشته باشد. اینکه ما راجع به ثبات مدیریت سخن بگوییم ولی شرط و شروط آن را لحاظ نکنیم، ثبات را از یک فرصت به یک تهدید بدل می‌کند. اگرچه این سخن که هیچ یک از وزرای پیشین شایسته نبوده‌اند به صورت مطلق صحیح نیست ولی عموما به همین شکل است و نه تنها وزرا بلکه حتی تیمی که به کار گرفته شده هم شایسته نبوده‌اند، چون انتصابات عمدتا برمبنای جناح‌وباند بوده است و حتی برخی وزرای ما نتوانسته‌اند دوره مدیریتی خود را در دولت مستقر به پایان برسانند، حال اینکه در یک نگاه منطقی، اگر وزیر شایسته باشد و برمبنای الگوی شایستگی انتخاب شده باشد ممکن است بتواند در سه یا چهار دولت به عنوان وزیر آموزش‌وپرورش ایفای نقش کند. لذا یکی از دلایل کوتاه بودن عمر مدیریتی در کشور ما این است که انتصابات برمدار شایستگی نیست.»

لزوم طراحی و تدوین الگوی شایستگی مدیران

این پژوهشگر حوزه آموزش خاطرنشان می‌کند که «در صورت تدوین و طراحی الگوی شایستگی مدیران می‌توان مجموعه انتظاراتی که از وزیر می‌رود را در بخش‌های مختلف مطرح کرد، ازجمله این انتظارات می‌تواند تأمین معلم شایسته و باانگیزه، تأمین فضای آموزشی مناسب و استاندارد در تمامی نقاط کشور، بهبود کیفیت آموزش‌وپرورش و تقویت مدارس دولتی باشد. بنابراین وقتی الگوی شایستگی تعریف می‌کنیم، به طور مشخص می‌دانیم که از شخص وزیر چه انتظاراتی داریم. اما متأسفانه در کشور ما این موضوع مورد توجه نیست و حتی در زمینه نظارت کلان مجلس بر عملکرد وزرا ضعف اساسی داریم. کدام یک از وزرایی که در این سال‌ها عزل شده و استعفا کرده‌اند در قبال تصمیمات غلطی که اتخاذ کرده‌اند و تبعات تصمیمات غلط آن‌ها همچنان استمرار دارد، مؤاخذ شده‌اند؟ در چنین وضعیتی هر فردی که در مسند وزارت قرار بگیرد، تصور می‌کند با اتخاذ بدترین تصمیم هم مشکلی پیش نخواهد آمد و ماحصل آن کمبود ۱۷۶ هزار معلم در مهر ۱۴۰۳ است، این مسئله نشان‌دهنده به کارگیری افرادی کارنابلد و فاقد دانش حداقلی در زمینه مدیریت منابع انسانی به عنوان مدیر منابع انسانی وزارت آموزش‌وپرورش و به تبع آن عدم ثبات مدیریت در مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی وزارت آموزش‌وپرورش است، بنابراین ثبات مدیریت اگر همراه با پیشرفت و ارتقای سازمان نباشد برای آن دستگاه یا سازمان تهدید است و درصورتی که ثبات مدیریت همراه با پویایی و پیشرفت و ارتقای دستگاه باشد حتما پسندیده و فرصت است.»

ثبات مدیریتی مشروط به کارآمدی و توانمندی باشد

نرگس ملک‌زاده نیز در قامت کارشناس آموزش در این باره به «رسالت» می‌گوید: «در بُعد نیروی انسانی پس از تعیین وزیر جدید، تغییر همه معاونین وزیر و رؤسای سازمان‌ها، در گام بعد مدیران کل ستاد و استان‌ها و رؤسای مراکز تغییر که درنهایت موجی از تغییرات را در ادارات مناطق تا کف مدرسه را به دنبال خواهد داشت و منابع انسانی سازمان را دچار سرگیجه سازمانی خواهد کرد، لذا ثبات مدیریتی در هرجایی می‌تواند متضمن (تضمین کننده) موفقیت آن سازمان یا وزارتخانه باشد اما اگر مدیر ضعیف و پرحاشیه باشد و رضایت بیرونی افراد ذی‌نفع را تأمین نکند، ثبات مدیریت آسیب زا تر از تغییر مدیریت خواهد بود. شرط اصلی و اولیه برای تحقق ثبات، رضایتمندی از شرایط موجود است. وقتی این رضایت وجود نداشته باشد، فرصت دادن و دوام مدیریتی منطقی، عقلانی و علمی نخواهد بود. گاه شرایط آموزش‌وپرورش به نحوی است که ثبات مدیریت آسیب زا تر از تغییر مدیریت است. اگرچه باید به سمت تحول گام برداشت اما در حال حاضر نیازمند کسی نیستیم که تحول ایجاد کند، چون در برخی از بخش‌ها به عقب برگشته‌ایم. ما ابتدا به فردی نیاز داریم که مسیر را تغییر بدهد و پس از آن باید به دنبال رویکرد تحول‌گرایانه و ثبات مدیریتی در آموزش‌وپرورش بود.»

ملک‌زاده مدارا مه‌تأکید می‌کند: «وزرای آموزش‌وپرورش بی‌دلیل برکنار نشده‌اند، و هر بار به علت اوج گرفتن نارضایتی‌ها این برکناری اتفاق افتاده است. این وزارتخانه همیشه از پرچالش‌ترین وزارتخانه‌ها بوده و هیچ یک از وزرای منصوب پاسخگوی نارضایتی‌ها و عملکرد خود نبوده‌اند و طبیعتا به وزیری که نتوانسته رضایت معلمان را جلب کند و فاقد برنامه و چشم‌انداز است نباید فرصت داد و او را بر کرسی وزارت ابقا کرد. ریشه بی‌ثباتی مدیریتی، انتصاب مدیرانی است که به آن‌ها فرصت خدمت داده شده و از این فرصت به نفع دانش‌آموز و معلم استفاده نکرده و پاسخگوی وضع موجود نبوده‌اند. چنانچه وزرا خود را در قبال جامعه فرهنگیان پاسخگو می‌دانستند و مأموریتشان را به درستی انجام می‌دادند، به تغییر مدیریت منجر نمی‌شد. این درست نیست که هرگونه تغییر مدیریت را دال بر عدم توفیقات آموزش‌وپرورش بدانیم. بدون تردید ثبات مدیران ضعیف هیچ‌گاه به سود هیچ یک از ارکان آموزش‌وپرورش نیست و اگر شخص وزیر ضعیف است و چشم‌انداز و برنامه‌ای ندارد باید تغییر کند. پایداری مدیریت زمانی امکان تحقق دارد که فردی شایسته، کارآمد، توانمند و دارای برنامه در این وزارتخانه منصوب شده باشد.»

این کارشناس آموزش با اشاره به تبعات انتصاب وزرای ناکارآمد و ناپایداری مدیریت‌ها تصریح می‌کند: «پس از انتصاب وزیر جدید پیگیری اجرای همه برنامه‌های مصوب وزیر قبلی از دستور کار خارج می‌شود و برنامه‌ها و ایده‌های جدید و معمولا فاقد پشتوانه پژوهشی و کارشناسی با شتاب بسیار اجرایی و مورد پیگیری قرار می‌گیرند. براین اساس برنامه‌های قبلی ناتمام می‌ماند و به دلیل تلنبار شدن طرح‌ها و برنامه‌های متعدد، تقریبا تمام آن‌ها از حیّز انتفاع ساقط شده و یا به درستی پیگیری نمی‌شوند و این یکی از مهم‌ترین تبعات ناپایداری مدیریتی است. چنانچه اساس برنامه بر پایه اسناد بالادستی و روش‌های علمی و کارشناسی باشد و شخص وزیری که این برنامه را کلید زده برکنار شده و یا فعالیت او به دلیل پایان دولت مستقر نیمه‌تمام مانده، حتما باید در دولت بعدی این برنامه‌ها دنبال شود، اما در اغلب موارد این گونه نیست و همین نوع نگاه باعث شده به عقب بازگردیم و یا روند تغییر و تحول در آموزش‌وپرورش به‌کندی صورت پذیرد. این اتفاق هم محدود به دولت خاصی نیست و در تمامی دولت‌ها رخ داده و طرح‌ها یا نیمه‌کاره رهاشده و یا دولت‌ها در آن تغییرات جزئی اعمال و به عنوان طرح و برنامه جدید به نام خود مطرح کرده‌اند. به همین دلیل است که می‌گوییم آموزش‌وپرورش باید از سیاست و اتفاقات این حوزه به دور باشد.»

ملک‌زاده خاطرنشان می‌کند: «این مجموعه یک جریان پویا با سلایق مختلف است، اما در برخی دولت‌ها، کسانی که حتی پست کارشناسی هم داشتند به دلیل حضور در دولت قبلی کنار گذاشته شدند و به این ترتیب بدنه ستادی ما از نگاه و نظرات کارشناسی خالی شد و نفرات تأثیرگذار علیرغم داشتن دیدگاه و بینش خاص نسبت به مسائل آموزش‌وپرورش از این مجموعه خارج و نفرات ضعیف‌تر به خدمت گرفته شدند، درنهایت هم دودش به چشم دانش‌آموزان و معلمان رفت و نظام آموزشی کشور متحمل ضربات سنگینی شد که این حذف علت اصلی آن بود. بنابراین درحالی بر ثبات مدیریتی تأکید می‌کنیم که حتی بدنه کارشناسی ما هم در وزارتخانه ثبات ندارند و یا مدیران مدارس را به علت نگاه غیرهمسو کنار می‌گذارند. انتصاب‌های ضعیف هم مزید بر علت بوده، آن هم از سوی جریان‌هایی خارج از بدنه آموزش‌وپرورش.

مداخله‌های غیرتخصصی وضع بغرنجی را رقم زده چنان که افرادی برصدر امور کلیدی آموزش‌وپرورش نشستند که از کمترین شایستگی‌ها و تجارب مدیریتی هم برخوردار نبودند و باریل گذاری‌های اشتباه، این وزارتخانه را از مسیر تحول دور کردند. ناپایداری مدیریت‌ها که امروز در آموزش‌وپرورش با آن مواجهیم ناشی از فهم نادرست مسائل آموزش‌وپرورش است.»

آگهی رای هیات تعیین تکلیف ثبت الیگودرز

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند ، معترض باید ظرف

۴۸ اصلی واقع در لرستان بخش سه حوزه ثبت ملک الیگودرز مورد تقاضای روح اله محمودی خریداری از مالکیت رسمی مجتبی محمودی.

۱۴۲۱ فرعی از ۷۶ اصلی واقع در لرستان بخش سه حوزه ثبت ملک الیگودرز مورد تقاضای فرهاد عیسوند خریداری از مالکیت رسمی محمدتقی غلامحسین گودرزی.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی مفاد سند رسمی

اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض داد خواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۱۳۰ جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز وبرای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

۱- تقاضای «افسرپاپی» فرزند «حسن» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۴۱۰،۷۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۴» فرعی از «۳۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علیرضا گودرزی فرزند حسن»

۲- تقاضای «محمد صادق گودرزی» فرزند «علیرضا» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۳۱۰،۸۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۱» فرعی از «۳۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علیرضا گودرزی فرزند حسن»

۳- تقاضای «محمد صادق گودرزی» فرزند «علیرضا» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۳۳۱،۸۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۲» فرعی از «۳۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه « علیرضا گودرزی فرزند حسن»

۴- تقاضای «حمید رضا ترکاشوند» فرزند «لطیف» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی» بمساحت «۱۹۷۰۲،۱۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۹۱» فرعی از «۹۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامحسین طباطبائی سلطانی و مجتبی حسنی سلطانی»

۵- تقاضای «حمید رضا ترکاشوند» فرزند «لطیف» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی» بمساحت «۹۰۰۶،۱۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۹۲» فرعی از «۹۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامحسین طباطبائی سلطانی و مجتبی حسنی سلطانی»

۶- تقاضای «حمید رضا ترکاشوند» فرزند «لطیف» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی» بمساحت «۲۶۱۳،۸۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۹۳» فرعی از «۹۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامحسین طباطبائی سلطانی و مجتبی حسنی سلطانی»

۷- تقاضای «حمید رضا ترکاشوند» فرزند «لطیف» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی» بمساحت «۱۶۵۲۵،۱۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۹۴» فرعی از «۹۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامحسین طباطبائی سلطانی و مجتبی حسنی سلطانی»

۸ - تقاضای «حمید رضا ترکاشوند» فرزند «لطیف» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی» بمساحت «۳۵۹۰،۳۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۹۰» فرعی از «۹۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامحسین طباطبائی سلطانی و مجتبی حسنی سلطانی»

۹- تقاضای «حمید رضا ترکاشوند» فرزند «لطیف» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی» بمساحت «۲۴۸۹،۰۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۹۶» فرعی از «۹۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامحسین طباطبائی سلطانی و مجتبی حسنی سلطانی»

۱۰- تقاضای «حمید رضا ترکاشوند» فرزند «لطیف» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی» بمساحت «۱۲۷۳۸،۱۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸۹۵» فرعی از «۹۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامحسین طباطبائی سلطانی و مجتبی حسنی سلطانی»

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۳/۰۴/۳۱)
تاریخ انتشار نوبت دوم: (۱۴۰۳/۰۵/۱۵)
شناسه: ۱۷۴۷۰۵۷

محمد آجرلو
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۱۲۹ جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی تصرفات مالکانه وبلا معارض آنان محرز ورای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

۱ - تقاضای «محمود مرزبانی» فرزند «احمد» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی دیمزار» بمساحت «۶۱۱۴،۲۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۳۷۳» فرعی از «۲۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عبدالاحد فرهادزاده»

۲- تقاضای «صفی اله شاهوردی» فرزند «علی حسن» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۳۲۵،۳۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۷۸» فرعی از «۱۵۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامحسن حجتی»

۳- تقاضای «حسین گودرزی» فرزند «عبدالحسین» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۱۱۶،۵۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۱۴۹» فرعی از «۲» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه « میرزا حسن گودرزی فرزند نامدار»

۴- تقاضای «مهدی حاجی» فرزند «پناه برخدا» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۸۶۰،۱۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۲۶» فرعی از «۳۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رضا یار احمدی»

۵- تقاضای «مهدی حاجی» فرزند «پناه برخدا» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۸۳۵،۱۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۲۵» فرعی از «۳۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رضا یار احمدی»

۶- تقاضای «محمد حسین کرمانشاهی» فرزند «محمدرضا» نسبت به «۶ دانگ یک باب ساختمان مغازه» بمساحت «۵۹،۵۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۲۷» فرعی از «۱۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد حسین کرمانشاهی فرزند محمدرضا»

۷- تقاضای «علی اله شاهوردی» فرزند «علی حسن» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی» بمساحت «۷۶۰۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۷۲» فرعی از «۱۵۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامحسین حجتی»

۸- تقاضای «علی بیات» فرزند «غلامرضا» نسبت به «۶ دانگ یک باب ساختمان مسکونی» بمساحت «۸۸،۲۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷» فرعی از «۳۲۰۴» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رحیم صارمی»

۹- تقاضای «عباس میراحمدی» فرزند «کسعلی» نسبت به «۶ دانگ یک باب ساختمان تجاری مسکونی» بمساحت «۱۶۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۷» فرعی از «۳۵۷۳» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی اکبر ذوالفقاری»

۱۰- تقاضای «سید منصور حسینی نژاد» فرزند «سید مشعل» نسبت به «۳ دانگ مشاع از ۶ دانگ یک قطعه باغ» سیما گودرزی فرزند حسن نسبت به ۳ دانگ از ۶ دانگ بمساحت «۱۰۴۶/۳۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸۸۳» فرعی از «۷۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد حسین رسولیان- ابوالحسن نبوی طباطبایی»

تاریخ انتشار نوبت اول :(۱۴۰۳/۰۴/۳۱)
تاریخ انتشار نوبت دوم: (۱۴۰۳/۰۵/۱۵)
شناسه ۱۷۴۷۰۵۸

محمد آجرلو
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۳۰۰۹۰۰۱۳۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سردشت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد قاسمی فرزند علی به ش.ش ۹۱۶۴ صادره از سردشت در شهرستان یک قطعه زمین مزروعی دیمی مشهور به بانوان به مساحت ۲۰۰۲۶ مترمربع جزء پلاک ۷- اصلی